

بزرگسالان امروز، کودکان دیروز و کودکان امروز، بزرگان فردا

مهندس محمد جعفری

آشنایی با اعضای هیأت داوران بین‌المللی فستیوال فیلم‌های کودکان:

الف: یون پیسکوگوپو

یون پیسکوگوپو در سال ۱۹۲۲ در بخارست متولد شد. از هشت سالگی شروع به نقاشی کرد و وقتی که فقط ۱۵ سال داشت اولین فیلمش را که نواری چهارمتری موسوم به لوپادی ویدجینس بود تهیه نمود. اما بعدها، بسال ۱۹۵۰، بصورت یک نقاش فیلمساز حرفه‌ای در استودیوی مخصوص فیلم‌های کارتونی که ریاست آنرا پدرش برعهده داشت مشغول کار شد. چند سال بعد گوپو با سه فیلم خیلی کوتاه که مدت نمایش مجموعه‌شان از ۲۵ دقیقه تجاوز نمی‌کرد به شهرت و افتخار بین‌المللی رسید این فیلم‌ها عبارت بودند از: تاریخ کوتاه - ۱۹۵۷، هنرهای هفت گانه - ۱۹۵۸ و انسان هوشمند - ۱۹۵۹. طرف نظر از فیلم‌های دیگر نقاشی متحرک یا مخلوط (نقاشی متحرک و هنرپیشه)، گوپو فیلم‌های طولی داستانی نیز ساخته که به همان استحکام و لطافت آثار کرامش هستند، این فیلم‌ها عبارتند از: یک بمب در دیده‌اند ۱۹۶۲، قدم‌هایی بسوی ماه ۱۹۶۴، پرپر سفید ۱۹۶۵، تازه خبری نیست، دکتر فاوست ۱۹۶۶.

ب: هانری کروئل

هانری کروئل در سال ۱۹۲۲ در ساکن (فرانسه) متولد شد. او در تاریخ سینما اولین فیلمساز است که نقاشی‌های کودکان را اساس فیلم‌های کارتونی خویش قرار داده است. فیلم کولی‌ها و پروانه‌ها که در سال ۱۹۵۴ ساخته شده، مورد تمجید فراوان منتقدین و تماشاگران قرار گرفت. وی در فیلم‌های دیگری از قبیل سفر بادابو و کاستن و مارتن نیز این شیوه استفاده از طرح‌ها و نقلیه‌های کودکان را ادامه داد. در آخرین فیلم او، افسانه‌های زاگاو - ۱۹۶۵، طرح‌های رنگی کودکان قبیله زاگاو در آفریقا متحرک شده است، قابل توجه است که این نقاشان کم سن و سال آفریقایی هرگز مداد رنگی و

شکل‌گیری سینمای کودک و نوجوان قبل و بعد از انقلاب اسلامی می‌تواند تا حدودی جایگاه این عرصه را در سینمای کشور معرفی کند.

نخستین فستیوال بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان تهران سیال ۱۳۴۵

اولین فستیوال جهانی فیلم کودکان و نوجوانان در تهران زیر نظر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برگزار می‌گردد.

هدف این فستیوال ارزیابی، نمایش و معرفی فیلم‌هایی است که در سراسر دنیا برای کودکان و نوجوانان ساخته شده و از نظر شکل و محتوی در تربیت و پرورش فکری کودکان و نوجوانان تاثیر گذار باشد.

وزیران دربار، فرهنگ و هنر، آموزش و پرورش - اطلاعات - مدیرعامل شرکت نفت، رئیس دانشگاه تهران و شهردار تهران شورای افتخاری این فستیوال را تشکیل می‌دادند.

اعضای هیأت داوران این فستیوال، را ریون پیسکوگوپو از رومانی هانری کروئل از فرانسه، نرمن مک لارن از کانادا، ابراهیم خواجه نوری و دکتر مجید مجیدی از ایران تشکیل می‌داد.

جدا از نوع سیاست‌گذاری‌ها و وابستگی‌های خاص رژیم گذشته در مجامع هنری جهانی، این نوع جشنواره با اهدافی غرب‌گرایانه شکل گرفت و فرهنگ و روح شرقی و اسلامی در آن کاملاً کم رنگ بود.

نخستین فستیوال از ۹ تا ۱۹ آبانماه ۱۳۴۵ برگزار می‌شود و فیلم‌هایی با مضامین تفریحی و آموزشی - کوتاه و بلند از کشورهای چون آلمان، اتحاد جماهیر شوروی، اتریش، اسرائیل، انگلستان، ایتالیا، بلژیک، بلغارستان، پاکستان، چکسلواکی، چین، رومانی، سوئد، فرانسه، فنلاند، کانادا، لهستان، مجارستان، آمریکا، نروژ، هلند، هندوستان، یوگسلاوی، شکل می‌گیرد. از ایران در این دوره فستیوال دو فیلم دل‌موش و پوست پلنگ حضور دارند.

پیامبر بزرگ اسلام (ص) می‌فرمایند: اکرم اولادکم واحسنوا آدابکم

به کودکان اکرام و بزرگی کنید و به آنها شخصیت بدهید و در برخورد با آنها از بهترین روش‌ها استفاده کنید.

در دنیای کودکان و نوجوانان حضور پیدا کردن و با اندیشه‌های کودکانه با آنها سخن گفتن وقتی زیباست که بر محور تعالیم اسلام باشد. اصولی در زندگی وجود دارد که برای تمامی فطرت‌های سالم قابل پذیرش است. صفاتی مثبت چون شجاعت - سلحشوری راستگویی، عدالت ... و صفاتی زشت چون دروغگویی - ترس، خیانت، دناقت و ...

به نظر می‌رسد که در ساختن فیلم‌ها و برنامه‌های هنری می‌باید که از اصول مثبت و قابل توجه بهره برد و از ردائیل و اخلاق ناپسند در حیطه آثار کودکان و نوجوانان پرهیز کرد. امروزه با توسعه ارتباطات جمعی و هنر در دنیای کودکان و نوجوانان و کاربرد وسیع تعلیم و تربیت و آموزش در این محدوده می‌تواند اثر پر تو یک فیلم سالم مفاهیم متعدد پرورشی و اخلاقی را برای کودکان، نوجوانان مطرح کرد. چیزی که با ده‌ها ساعت و ده‌ها هفته سخنرانی امکان دستیابی به آن کمتر است.

طبق آمار رسمی منتشر شده، بخش عمده‌ای از جمعیت ایران را کودکان، نوجوانان و جوانان تشکیل می‌دهند و ایران از جوانترین کشورهای دنیا به لحاظ میانگین جمعیتی است: این مهم، مسئولین امر را و می‌دارد تا به مسائل کودکان و نوجوانان و بالاخص سینمای کودک و نوجوان توجه بیشتری مبذول دارند. سینمای کودک و نوجوان از بدو پیدایش سینما در ایران به صورتی مستقل مطرح نبوده است، اگر چه در پاره‌ای از فیلم‌های گذشته حضور کودکان و نوجوانان و ارتباط آنها با شخصیت‌های فیلم مطرح می‌شد، اما هیچگاه سینمایی مستقل در این حیطه وجود نداشت. مروری بر پیدایش نخستین جشنواره بین‌المللی فیلم کودکان و نوجوانان و مراحل

کاغذ برای نقاشی تا آن زمان بدست نگرفته بودند. گرونل فیلم های کوتاه مشهور دیگری نیز از قبیل ژوکوند - ۱۵۹۸ و آقای سر - ۱۹۵۹ تهیه کرده است و در سال ۱۹۶۲ او یک فیلم طویل داستانی بنام کدخدای نیز کارگردانی نمود.

گرونل ضمناً در زمینه تهیه صفحات موسیقی مخصوص کودکان نیز فعالیت زیادی دارد. فیلم های هانری گرونل که در اولین فستیوال فیلم کودکان تهران نمایش داده شدند عبارت بودند از کولی ها و پروانه ها - سفر پادابو - کاستن و مارتن - افسانه های زاگاو.

ج: آلبر لاموریس:

آلبر لاموریس در سال ۱۹۲۲ در پاریس متولد شد. وی احتمالاً در یک سطح بین المللی، مشهورترین هنرمندی است که در زمینه فیلم های کودکان که اغلب هنرپیشه های آنها نیز از کودکان می باشند، فعالیت داشته است. نخستین فیلم کوتاه او چرپا در سال ۱۹۲۷ ساخته شد و بدنبالش بینم، الاغ کوچک ۱۹۲۹ ساخته شد. اما اثری که تحسین منتقدین را در سراسر جهان برایش به ارمغان آورد، فیلم بی نهایت شاعرانه ای سپیدپال است که هنوز که هنوز است، این فیلم تازگی و طراوت مخصوص خودش را دارا می باشد. آلبر لاموریس سه سال بعد از ساختن سپید پال، فیلم دیگری که انباشته از شعر و زیبایی بصری است، ساخت که امروزه یک کلاسیک سینما شده است، این فیلم پادکنک قرمز نام دارد. از ۱۹۶۰ به بعد، لاموریس دو فیلم طویل نیز تهیه کرده است، سفر با بالون و فیفی پر دار این فیلم های سبک نیمه مستند این شاعر حس بصری سینما را دارند. فیلم های آلبر لاموریس که در فستیوال تهران نمایش داده شدند عبارتند از:

سپیدپال، پادکنک قرمز، سفر با بالون، فیفی پر دار.

د: نرمن مک لارن

نرمن مک لارن در سال ۱۹۱۴ در استرلینگ (انگلستان) متولد شد، وی بدون شک بزرگترین هنرمند نقاشی متحرک مدرن است، در میان فنون جدیدی که وی در این زمینه عرضه کرده، متدهای او برای نقاشی مستقیم روی فیلم و صدای ترکیبی احتمالاً از همه مهمتر و قابل توجه تر هستند.

نرمان مک لارن بعنوان یک آماتور از ۱۹۲۳ به تهیه فیلم پرداخت. مستند ساز بزرگ جهان گریرسون او را در سال ۱۹۲۷ به همکاری فراخواند. در طی این همکاری مک لارن چندین فیلم مستند و نقاشی متحرک تهیه نمود که از ایندسته درم بخصوص ستارگان و خطوط و حلقه ها قابل ذکرند.

از سال ۱۹۳۱ به بعد مک لارن در کانادا برای دفتر ملی فیلم کار کرده و فیلم های کوتاه زیادی ساخته است که هر یک به نوبه خود تجربه جدید و هیجان آوری بشمار می رفته است. در میان این فیلم ها شامکارهایی چون همسایگان ۱۹۵۲،



بلین کیتی بلانک ۱۹۵۲، ریتیمیتیک ۱۹۵۶، قصه صندلی ۱۹۵۷، موزی ها ۱۹۶۰ و قانون ۱۹۶۲، بچشم می خورند.

باید توجه داشت که هدف از برگزاری یک چنین جشنواره هایی که اغلب بدون حضور فیلم های ایرانی (لااقل تا سال ۱۳۲۹)، از سوی رژیم متحط شاهنشاهی، برگزار شد. فقط و فقط بهره برداری تبلیغاتی و گرفتن ژست های روشنفکر مابانه بود. از اولین فیلم های فارسی که برای کودکان ساخته شد می توان به فیلم بچه ها و بعد از ظهر اشاره نمود این فیلم در سال ۱۳۲۵ توسط جواد طاهری کارگردانی شد و فیلم کوتاه - داستانی، ۱۶ میلی تری و سیاه و سفید و حدود ۲۱ دقیقه بود، تهیه کننده این فیلم اسماعیل امامی، فیلمنامه از آن فریده فرجام است. فریده فرجام هم اکنون در آمریکا بصری پرد و اخیراً طی مصاحبه ای که با صدای آمریکا اظهار داشت که به تازگی فیلمنامه ای از وی در هالیوود مورد توجه واقع شده است و قرار است آنرا به فیلم تبدیل کند. فریده فرجام اظهار امیدواری کرده است که بتواند، خودش فیلمنامه اش را در هالیوود کارگردانی نماید. در سال ۱۳۲۶ نصرت کریمی فیلم کوتاه عروسکی (باتکنیک پرده سیاه)، سیاه و سفید (۱۰ دقیقه) - ۲۵ میلی تری را ساخت. نصرت کریمی در سال ۱۳۴۵ فیلم دل موش، پوست پلنگ را که فیلم عروسکی (باتکنیک دستکش)، رنگی، ۲۵ میلی متری حدود ۱۵ دقیقه بود را ساخت. در همین سال نصرت کریمی فیلم ۱۸ دقیقه ای نقاشی متحرک بنام زندگی را ساخت. در سال ۱۳۲۸ نادر ابراهیمی فیلمی بنام گل های وحشی ایران را با بازی هلیا ابراهیمی (۳ ساله) می سازد این فیلم معرفی یک مجموعه از گل های وحشی ایران همراه با تشویق و برانگیختن عواطف کودکان در جهت حفظ گل های طبیعی است.

در سال ۱۳۲۹ بهرام بیضایی فیلم ۲۰ دقیقه ای سیاه و سفید ۲۵ میلی متری کوتاه - داستانی عمو سیبلو را می سازد. داستان عمو سیبلو، چگونگی پیدایش رابطه عاطفی میان پیرمردی منزوی و دلمرده و ملول با بچه هایی که



بنا به طبیعت خود شادند و سرزنده و پر شور رامورد بررسی قرار می دهد. در همین سال آرپیک باغداساریان فیلم (نقاشی متحرک) ۲۵ میلی متری - رنگی - ۲ دقیقه ای بنام گرفتار را می سازد

در کنار فعالیت های غیر منسجمی که در جهت ساختن فیلم هایی برای کودکان و یا فیلم هایی با محتوای داستانی کودکانه و یا فیلم هایی که کودکان پرسوناژهای اصلی آنها بودند، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان احساس مسئولیت نمود که در کتابخانه هایش برای بچه های عضو کتابخانه، فیلم نشان دهد و فیلم هم بسازد و براساس این فکراولیه بود که کانون دست به تأسیس مرکز سینمایی در سال ۱۳۲۸ زد و عملاً این مرکز فعالیت های خودش را از سال ۱۳۲۹ شروع کرد. هدف کانون این بود که برای طیف سنی ۹ تا ۱۶ سال فیلم بسازد، از سوی دیگر تا آن زمان بجز برگزاری چند جشنواره فیلم کودک که اکثر قریب به اتفاق فیلم های این جشنواره ها از کشورهای خارجی بودند و همچنین تولید چند فیلم عروسکی و یا نقاشی متحرک توسط بعضی از افراد، در سطح سینمای کشور تجربه ای در زمینه سینمای کودک و نوجوان وجود نداشت و حتی یک مرز بندی دقیقی بین کودکان و نوجوانان نیز مشاهده نمی شد. شکی در این نیست که یک کودک ۲ یا ۵ ساله مسائلی متفاوت با یک نوجوان ده یا دوازده ساله دارد، بررسی نیازهای هر یک از گروه های سنی، برآستی برعهده چه کسانی است؟ آیا هرکسی می تواند فیلم ساز و یا فیلمنامه نویس این گروه بسیار حساس که زیر بنا و ساختار آتی یک کشور را تشکیل می دهند، بشود؟ بنظر اینجانب جواب منفی است. هرکسی، ولو به لحاظ علاقه و یا تجربه در امر تهیه فیلم برای کودکان و نوجوانان نمی تواند ادعا کند که در این زمینه موفق بوده است. افرادی که می خواهند در این حیطه به فیلم سازی و فیلمنامه نویسی دست بزنند، بایستی خصوصیات روحی، روانی، جامعه شناسی، امور تربیتی و حتی اقتصاد مربوط به کودکان را خوب بدانند تا بتوانند تا حدودی در تهیه فیلم های مختص کودکان و نوجوانان موفق گردند.

کارگردانی که نتوانند در این زمینه همه مفاهیم و مسائل مطروحه در یک فیلمنامه کودک و یا قصه کودکان ای را بجان دل از صافی ذهن خویش عبور دهند، در راهبری و بازیگردانی فیلم مخصوص کودکان سربلند نخواهند بود. لاجرم، باتوجه به اهمیتی که این طیف خاص در مقوله سینما دارد، جا دارد که بودجه و وقت کافی در اختیار افرادی مدبر و متخصص و دلسوز در امور کودکان و نوجوانان قرار گیرد تا رهنمودهایی روشن و آینده ساز را به جامعه سینمایی، علی الخصوص سازندگان و کارگردانان و فیلمنامه نویسان کودکان ارائه دهند. تا قبل از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، سینمای کودک ایران، اگر بشود گفت سینمای کودک! بدنبال آنچه که بالا آمد نبود، اگر هدفی داشت، در جهت پرورش افکار این کل های بی گناه در راستای هر چه نزدیک شدن به فرهنگ غرب بود و در نتیجه دور شدن از فرهنگ تربیت اسلامی. اگر داستان های کهن که در مورد کودکان بود، به

در جهت کودک بلکه در رابطه با کیشه کودک تولید شده اند، آیامی توان این نوید را به ملت هنر دوست ایران داد که سینمای کودک ما در راهی درست گام برمی دارد؟ جواب نگارنده اینست که ما در رابطه با سینمای کودک و نوجوان هنوز در ابتدای راه هستیم، ساده ترین و پیش پا افتاده ترین، که در عین حال مهمترین مشکلی نیز می باشد عدم هماهنگی فرهنگی در رابطه با نگرش تلویزیون به دنیای کودک و نوجوان با سینماست. هنوز این دو راهی واحد انتخاب نکرده اند، شاید در اعلام و مکتوبات، ادعا شود که یک حرف زده می شود و وحدت نظر وجود دارد، اما در عمل ما چیز دیگری را بر صفحه کوچک تلویزیون و بر پرده بزرگ سینما مشاهده می کنیم... یکی از نکاتی که هنوز بیشتر فیلمسازان ایرانی که در زمینه کودک و نوجوان کار و فعالیت می کنند، به آن توجه نمی نمایند، اینست که براسستی (درباره) و (برای) کودکان بسیار با هم فرق دارند. فیلمی که درباره

مرزبندی رسید؛ کارگردانی که درباره کودکان فیلم می سازند و کارگردانی که برای کودکان فعالیت می کنند در سینمای ایران کم هستند آنها هم که در زمینه کودک فعالیت دارند، درباره کودکان فیلم می سازند نه برای آنها و نکته مهم تر قابل توجه در اینجاست که متأسفانه این دسته از کارگردانان غالباً این امر بر آنها مشتبه شده است که برای کودکان فیلم می سازند و در مصاحبه هایی که با مطبوعات می کنند از بالای برجی به پلندی تفاخر و تکبر چنین داد سخن می رانند که گویا به تمامی مکنونات و مسائل روانکاوانه دنیای کودک پی برده اند و اغلب خود را بی نیاز از مطالعه و تحقیق و تفحص در این زمینه می دانند. در رابطه با ساختن فیلم برای کودکان، تا دغدغه و جوشش عشق به دنیای پاک و بی آرایش کودکان وجود نداشته باشد، محصول نهایی یک مجموعه از افراد چیزی جز همین گونه فیلم هایی که کهکاه شاهد نمایش آنها بر پرده سینماهای کشورمان هستیم،



فیلم برگردانده می شد، سعی فراوان می کردند که تمامی رنگ و لعاب اسلامی بودن آنها بگیریند و بیشتر به وجه ملی بودن آن توجه می کردند، صد البته ملیت گذشته ای که رفته رفته در فرهنگ دیگران حل می شد. اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و علی الخصوص بعد از پایان ۸ سال دفاع مقدس، شرایط مهیا گردید تا بیشتر درباره سینما علی الخصوص سینمای کودک و نوجوان فکرو ژرف نگری شود. ابتداء باید توانایی کار و مقدمات لازم حاصل شود و بعد اقدام صورت گیرد، البته در عرضه سینمای کودک تا حدودی کارهایی صورت گرفته است و آخرین جرعه آن نیز همین جشنواره فیلم کودک کرمان است که بزودی در مهرماه شروع می شود، اما سؤال من اینست که با پرداختن به یک جشنواره و دادن جوایزی به فیلم هایی که اگر خوب مورد بررسی قرار گیرند نه

کودکان ساخته می شود، می تواند درباره شرایط اجتماعی، ناانجاریهای کودکان، سرخوردگی ها و استرس های ناشی از زندگی ماشینیتم باشد که چه بسا اگر کودک و یا نوجوانی آن فیلم را ببیند، تأثیرات بسیار نامطلوب و مخربی بر روح و روان او بگذارد و اما فیلم برای کودکان، مقوله دیگری است، باید مختص کودکان و نوجوانان باشد و یا در این محدوده سنی و مرزبندی بگنجد مسلماً کودکان از دیدن فیلم هایی که برای آنها ساخته اند، می توانند لذت ببرند، لحظاتی را به تفریح ذهنی بپردازند و لزوماً پیام ناپیدای فیلم را هم بخوبی دریافت کنند. پس فرق بسیار است بین فیلم برای کودکان و فیلم درباره کودکان، آیا انساناً فیلم های جشنواره های مختص کودکان، تماماً فیلم برای کودکان است؟! در همین چارچوب است که در حیطه کارگردانی نیز می توان بپیک

عایدان نخواهد شد، البته نباید خیلی هم ناامید و مأیوس شد، با ساختن چند فیلم مبتذل در این زمینه نباید دست روی دست گذاشت و فکر کرد همه چیز پرباد رفته است، سینمای کودک همانند سن این طیف وسیع از جامعه، خیلی هم زیاد نیست.

اینکه تاکید دارم که این نوع سینما مراقبت بیشتری نسبت به دیگر فیلم ها در آن احساس می شود در همین جا است، وقتی که کارگردانی ادعا کند که من فقط برای خودم فیلم می سازم و هیچ کاری به دنیای کودکان ندارم خود گویای این است که تا چه حد سازندگان و عواملی که دزکار تهیه و ساخت و پرداخت فیلم برای کودکان هستند از هدف اصلی بدور می باشند. آیا فقط و فقط برای دلمشغولی های خود باید فیلم ساخت؟ پس دنیای پراز راز و رمز کودکان و هزاران حرف ناگفته

دبارة آنها چه می شود؟

خاتم‌الکله رید مدیر بخش کودکان جشنواره فیلم فرانکفورت طی مصاحبه‌ای درباره سینمای کودکان و نوجوانان و مشخصه‌های آن از نظر موضوعات و مخاطب می‌گوید:

ذهن فکر می‌کنم فیلم بچه‌ها، گونه خاصی ندارد و انواع مختلف کمدی، فیلم‌هایی درباره مسائل و مشکلات بچه‌ها و امثالهم را بچه‌ها حق دارند ببینند. ما باید حوزه وسیعی را در مقابل آنها قرار دهیم و بگذاریم خودشان انتخاب کنند. بچه‌ها متفاوت از یکدیگر و با سلیقه‌های مختلف و دارای شخصیت‌های مختلف می‌باشند. به همین خاطر باید آنها را جدی بگیریم، از بالا به پایین به آنها نگاه نکنیم و ما تصمیم نگیریم که چه چیزی برایشان جالب است. یعنی نه آموزشی در حد مدرسه و نه خیلی بچگانه باشد. با چشم خودشان به دنیا نگاه کنیم و ببینیم چگونه زندگیشان را تجربه می‌کنند.

مهم و تعیین‌کننده می‌باشد ولی متأسفانه در رابطه با گونه سینمای کودک، آنطور که شایسته و بایسته است هنوز دست اندارکاران سینما، سیاست‌گذاران و سازندگان فیلم ارتباط عمیق و معقولی نتوانسته‌اند بین خود و دنیای کودکان و خواسته‌های آنها پیدا نمایند، اگر بهر دلیل فیلمی برای و یا در رابطه با کودکان و نوجوانان ساخته شده است، عمدتاً به بهانه کودکان بودن ساخته و پرداخته شده‌اند و از ارتباط برقرار کردن با مخاطبین واقعی خود عاجز بوده‌اند، آیا تابحال از خودمان سؤال کرده‌ایم که علت این عدم موفقیت چه بوده است؟ به روشنی می‌توان جواب داد که این وسوسه تهیه فیلم‌هایی برای و یا در رابطه با کودکان فقط به بهانه یک رنگ تفریح برای سازندگان آنها به حساب آمده‌اند و بس.

برای نزدیک کردن سینمای کودک و نوجوان کشورمان به سینمای مطلوب که ضمن‌مسائل تربیتی نهفته شده در طیف تربیت اسلامی نیز

کودکان در دو بعد نظری و عملی تلاشی وسیع را آغاز کنیم. در بعد نظری، باید با یاری صاحب نظران آگاه و دلسوز و نه کسانی که فقط عنوانی را به یدک می‌کشند به سؤالات بسیاری در رابطه با کودکان پاسخ دهیم: از جمله سینمای کودک و نوجوان اصلاً چیست؟ چه کاربرد و چه کارکردی دارد؟ چه ضوابط و معیارهایی را می‌توان برایش متصور شد؟ گروه‌های سنی مخاطبین در این سینما کدامند؟ تأثیر و تأثر این سینما از ادبیات مکتوب و شفاهی چیست؟ آیا برای هر چه بیشتر وفق دادن سینمای کودک با آن چه‌کنه اسلام و بزرگان اسلام در رابطه با کودکان تأکید دارند کاری صورت گرفته است؟ و صدها سؤال دیگر و اما در بعد عملی؛ باید از سیمای جمهوری اسلامی کمک گرفت، بعبارت دیگر مسئولین سینما باید به عنوان احساس و درک وظیفه، فیلم‌های گذشته و فیلم‌های تازه تولید شده را به طور مستمر برای گروه‌های سنجیده‌ای از کودکان و نوجوانان نمایش



درباره موضوع این فیلم‌ها هم نمی‌توان معیار مشخصی تعیین کرد. در مجموع باید داستان خوبی داشته باشد و به بچه‌ها دید جدیدی بدهد و تجربیات آنها را بیشتر کند. چون بچه‌ها تجربیات گوناگون از تلویزیون، رادیو و سینما به دست می‌آورند، باید فیلم‌هایی که برای آنها ساخته می‌شود کیفیت بالایی داشته باشد و از نظر هنری هم مقبول باشند.

سینمای کودک و نوجوان تنها گونه‌ای از سینما است که براساس مخاطب خاص خود از دیگر گونه‌ها جدا می‌شود. با اینحال، اینگونه از سینما، بیشترین میزان پی‌توجهی را به مخاطبین خود دارد. سینمای جنگی، حادثه‌ای، خانوادگی و درام و ملودرام و... که هر کدام از لحاظ مضمون تقسیم‌بندی شده‌اند، معمولاً مخاطب خود را به خوبی می‌شناسند و نحوه ارتباط برایشان خیلی

بگونه‌ای بسیار ظریف و لطیف در اینگونه سینما نهفته باشد، باید سنت شکنی نمائیم، باید قالب‌های دست و پاگیر گذشته را کنار بگذاریم، باید بخش اعظم آنچه را که تحت این عنوان (کودک و نوجوان) داریم به فراموشی بسپاریم. باید به ذوق و پرق‌های جشنواره‌ای، به نمادین کردن تعدادی کودک به صورت پروانه و غیره دلخوش ننمائیم، باید اسیر زد و بندهای اداری و چاپلوسی‌های تعدادی از منتقدینی که فقط و فقط، گویا، قلم در دست گرفته‌اند و جز تایید و پررنگ کردن و بزرگنمایی جلوه دادن کارهای مسئولین و دست اندازگان و وظیفه‌ای دیگر ندارند، دلخوش ننمائیم. برای رسیدن به سینمای کودکان و نوجوانان که کاملاً در شأن این نظام مقدس باشد، باید، اگر لازم است بار دیگر از صفر شروع کنیم و با بکارگیری نیروهای متخصص مؤمن و کارگشته درمسائل

دهند و با بررسی دقیق، میزان مطلوبیت فیلم‌ها در نزد آن‌ها را به دست آورند یعنی باید به یک کارآزمایی دقیق دست زد و سپس نتایج حاصله از تلاش در دو محور نظری و عملی را سرانجام در اختیار فیلمسازان مشتاق و شیدا در این عرصه قرارداد. کلام آخر، اینک، مسئولین و سیاست‌گذاران سینمای جمهوری اسلامی ایران شایسته و بایسته است که تمامی توان و نیروی خویش را در راستای هر چه بیشتر تخصصی، ایمانی و دینی کردن سینمای کودک و نوجوان بکار بگیرند که مطمئن باشند پس از گذر چند سالی، این مرز و بوم نیز سینمای کودکی در شأن نظام اسلامی را خواهد داشت.

والسلام